گفت‌وگوی «وطن امروز» با آیت‌الله علم‌الهدی، سخنران یوم‌الله ۹ دی ۸۸ در تهران

۹ دی حماسه دفاع از اهل بیت بود

سیدفرید موسوی: در آستانه ۴۰ سالگی انقلاب اسلامی و جشن‌های آن نباید روزهایی را که تلخ‌ترین لحظات و ساعات را برای انقلاب و کشور رقم زد فراموش کرد، روزهایی که نااهلان برای آرامش و حیات جمهوری اسلامی دندان تیز کرده بودند، امنیت را مختل کردند و به هر آنچه برای مردم، عزیز و مقدس بود حمله کردند. روزهای فتنه ۸۸ در حافظه تاریخ ماند اما از آن روزها ماندگارتر، نهمین روز دی‌ماه همان سال است که حضور بی‌شمار مردم در دفاع از کیان نظام اسلامی، آب سردی بر شعله‌های رو به خاموشی فتنه‌گران ریخت، آن روز را باید بزرگ و همواره زنده نگه داشت. به همین بهانه و در نهمین سالگرد این حماسه مردمی، «وطن امروز» با آیت‌الله سیداحمد علم‌الهدی سخنران مراسم ۹ دی ۸۸ تهران گفت‌وگویی انجام داد.

■ **اعتقادات دینی به‌خصوص محرم و عاشورای حسینی، همچنان مهم‌ترین و قدرتمندترین عامل انگیزشی در جامعه ما است، علت آن چیست؟**

عامل انگیزشی بودن دین و ولایت اهل‌بیت (علیهم‌السلام) بویژه عشق به سیدالشهدا، سرچشمه از جریان فطری انسانی ما گرفته است، به هر حال انسان‌ها دارای فطرت خداگرا هستند و هر چیز رنگ خدا داشته باشد، به او عشق می‌ورزند. طبیعی است وجود پیغمبر و اهل‌بیت ایشان (علیهم‌السلام) دارای صبغه خدایی هستند، پیغمبر مبعوث از طرف خداست، ائمه به عنوان خالص‌ترین بندگان خداوند دارای صبغه و رنگ خدایی هستند، آن فطرت خداگرایی که درون مردم هست، منشأ عشق فوق‌العاده‌ای در دل و جان مردم نسبت به پیغمبر و اهل‌بیت ایشان است، طبیعی است این عشق و جریان فطری بر حسب قدرتی که در درون انسان‌ها دارد، عامل انگیزشی می‌شود و برای انسان‌ها در همه حرکت‌هایی که در راستای این عشق و محبت انجام می‌دهند، تولید انگیزه می‌کند.

■ **می‌بینیم این عامل انگیزشی بعد از وقوع فتنه و حوادث سال ۸۸، عاملی شد برای به میدان آمدن و به‌نوعی پایان بخشیدن به فتنه‌گری فتنه‌گران، چطور این عامل انگیزشی دینی باعث شد مردم ۷ ماه بعد از فتنه در موقعیتی سیاسی وارد صحنه شوند؟**

انسان بر اساس ضرر و خسارتی که متوجه او هست، در درون خودش اولویت‌بندی دارد، گاهی اوقات حرکتی انجام می‌گیرد و مال انسان را هدف قرار می‌دهد، انسان درصدد دفاع برمی‌آید، نه تا اندازه‌ای که به جانش آسیب وارد شود اما اگر حرکتی از جانب دشمن آغاز شد و جان انسان را هدف قرار داد، معلوم است با انگیزه‌ای بالاتر و قوی‌تر درصدد برخورد و دفاع در مقابل دشمن برمی‌آید. تا قبل از حرکت عاشورای سال ۸۸، مردم در جریان فتنه فکر می‌کردند این فتنه‌ای است از طرف دشمن خارجی برای اینکه امنیت اجتماعی آنان را به هم بزند یا مسیر حرکت سیاسی مردم را که حرکتی ولایی است تغییر دهد، مردم نیز درصدد دفاع برآمدند و از آنجا که مستحکم پای ولایت ایستاده بودند و در خط ولایی نظام ایستادگی و مقاومت می‌کردند، پس در این جهت کوچک‌ترین خطری را احساس نمی‌کردند و مقاوم ایستاده بودند اما در جریان عاشورای سال ۸۸ و تهاجمی که به مقدسات مردم و عشق آنها به سیدالشهدا (علیه‌السلام) شد و هتک حرمتی که نسبت به سیدالشهدا اتفاق افتاد، مردم دیدند فتنه متوجه موقعیتی شده بالاتر از مال و جان‌شان و آن، مقام عشق نسبت به اهل‌بیت پیغمبر (علیهم‌السلام) است، آن عشقی که مردم به اهل‌بیت پیغمبر داشتند و انگیزه آنان در دفاع تا مرز جان دادن در راه پیغمبر و اهل‌بیت پیغمبر بود، این انگیزه به جوش و خروش درآمد و آن دفاع جانانه را در ۹ دی هم نسبت به مقدسات خود و هم نسبت به مقام ولایت و رهبری نظام انجام دادند. مردم آن روز احساس کردند دشمن دین آنان را هدف قرار داده، می‌خواهد ولایت را براندازد، در خط براندازی اساس دین و اهل‌بیت پیغمبر است، از این رو با تمام قدرت ایستادند، این احساس بعد از ۷ ماه به مردم دست داد، اگر قبل از آن نیز این احساس به مردم دست می‌داد، قبل از آن نیز می‌ایستادند، این مربوط به اصل جریان فتنه و اصل جریان سیاسی نبود.

■ **تاکنون چندین بار ظرفیت تقیدات دینی و مذهبی به کمک انقلاب آمده و یک ضربه کاری به فتنه‌گران زده؛ نمودهای همین عامل انگیزشی در جامعه را مطرح کنید.**

اولین حرکتی که به‌عنوان دفاع از انقلاب در راستای جریان دینی در مردم پیش آمد، حرکت ۱۵ خرداد بود که شاید چند ماهی بیشتر از نهضت امام نگذشته بود؛ ۶-۵ ماه بیشتر نگذشته بود اما مردم وقتی احساس کردند امام و نهضت امام در معرض تهاجم دشمن قرار گرفته، به‌عنوان دفاع از دین‌شان به صحنه آمدند، قبل از ۱۵ خرداد که ۱۲ محرم بود، مردم دست به آن تظاهرات عظیم و خونین زدند، روزهای تاسوعا و عاشورا، مردم تهاجم به روحانیت، حمله و تهاجم به امام از طرف جریان حاکم را تهاجم به دین، سیدالشهدا و خط سیدالشهدا می‌دانستند، در روزهای تاسوعا و عاشورا، ۲ روز قبل از ۱۵ خرداد در نوحه‌ها و سینه‌زنی‌های خود در عزای سیدالشهدا در بازار تهران می‌خواندند: «قم گشته دشت نینوا، فیضیه گشته کربلا، شد موسم یاریِ مولانا الخمینی»، این را نوحه‌خوانی می‌کردند و سینه‌زنی می‌کردند که با دین به دفاع از نهضت امام آمدند و بعد از آن نیز روز ۱۵ خرداد، آن دفاع جانانه، جان دادن و خون دادن در راه دفاع از نهضت امام و خود امام را نیز نشان دادند. در مسیر انقلاب، سالگرد ۱۵ خرداد، چند سال بعدش، در تمام حرکت‌هایی که تا قبل از جریان پیروزی انقلاب در خط مبارزه با نظام ستم‌شاهی انجام شد، همه جا مردم تحت عنوان دفاع از دین به میدان مبارزه با نظام ستم‌شاهی آمدند و انقلاب که به پیروزی رسید به عنوان ایثارگری در راه دین بود که مردم به صحنه آمدند، ایستادند و نظام ستم‌شاهی را ساقط کردند. ۱۰ دی در همین مشهد، وقتی یک خانم چادر مشکی به سر می‌کرد، بچه را بغل می‌گرفت و هم خودش و هم بچه‌اش زیر زنجیرهای تانک خرد می‌شدند یا هدف مسلسل جلادان شاه قرار می‌گرفتند، برای خانه، نان، زندگی و اقتصاد نبود، فقط به‌عنوان دفاع از دین بود که می‌آمد، تا این مرز می‌ایستاد و جان می‌داد.

■ **تاکنون جامعه با فتنه‌های مختلفی مواجه بوده، فتنه امروز جامعه چیست؟**

فتنه امروز خیلی پیچیده‌تر از فتنه‌های گذشته است. امروز چه در حوزه مسائل اقتصادی و معیشتی و چه در حوزه فرهنگی، دشمن دست به فتنه‌هایی می‌زند که در آن خود ستون خیمه نظام و رهبری نظام را هدف قرار می‌دهد، الان ۴۰ سال از انقلاب می‌گذرد، از روز اول پیروزی انقلاب، استکبار جهانی و دشمنان درصدد مقابله و مبارزه با ما بودند با هر امکانی که در دسترس‌شان بود، آنجا که امکان رویارویی رودررو داشتند مثل کمک کردن به صدام در جنگ نابرابر ۸ ساله که بر ما تحمیل شد، رودررو می‌ایستادند، در جایی هم که مثل امروز نمی‌توانند رودررو بایستند، با تهاجم اقتصادی، سفره مردم را هدف قرار می‌دادند و آنجایی که این امکان را هم نداشتند، با فتنه وارد می‌شدند. دشمن دید علت اینکه ۴۰ سال با نظام جنگیده و نظام امروز مقتدرتر از روز اول است، این است که پشتیبان این نظام، مردم هستند، هیچ نظامی روی کره زمین مثل نظام حکومتی ما وجود ندارد که مردم پشتیبانش باشند و به این نظام وابستگی داشته باشند، علت وابستگی مردم به نظام نیز وابستگی مردم به دین‌شان است، مردم دین‌شان را دوست دارند و این دین را وابسته به این نظام و نظام را وابسته به دین می‌دانند؛ بر حسب آن اعتقاد و وابستگی دینی، وابسته به نظام شدند. آنچه امروز برای دشمن به‌عنوان یک توطئه در قالب فتنه‌های مختلف مطرح است، کشیدن سفره دین از زیر پای مردم است تا مردم بی‌دین شوند و به خاطر اینکه بی‌دین می‌شوند، وابستگی‌شان از دین قطع می‌شود، به این واسطه، وابستگی مردم از نظام نیز قطع می‌شود، وقتی نظام حکومتی منهای وابستگی و پشتیبانی مردم شد و فقط به توانمندی‌های نظامی و اقتصادی متکی بود، این نظام را براحتی می‌توان از پا درآورد، این تنها هدفی است که دشمن در همه فتنه‌ها دارد. دشمن ابتدا با تهاجم شدید فرهنگی، بعد با شبیخون فرهنگی و به تعبیر مقام معظم رهبری، با ناتوی فرهنگی وارد می‌شود و اگر بی‌بندوباری، اباحی‌گری، نبود تقید به مسائل دینی، شهوت‌پرستی و نفسانیات، شکم‌پرستی و پول‌پرستی در سایه تأمین قدرت و ثروت در میان مردم ما مطرح شود، دیگر این مردم وابستگی دینی نخواهند داشت و وقتی وابستگی دینی نداشتند، وابستگی به این نظام هم ندارند و می‌شود نظام را از پا درآورد، این اصل هدف دشمن در این فتنه‌هاست. گاهی اوقات این فتنه‌ها را به‌وسیله برخی جریان‌های نفوذی در عوامل اجرایی نظام و حاکمیت انجام می‌دهد، گاهی اوقات این فتنه‌ها را در جریان‌هایی به وسیله عوامل نفوذی در داخل مردم و تحریک آنان به طرف بی‌بندوباری و اباحی‌گری انجام می‌دهد و گاهی اوقات این هدف را در فتنه هدف‌گذاری شده در عرصه اقتصاد و معیشت مردم دنبال می‌کند. می‌خواهند مردم را از نظر معیشت در تنگنایی قرار دهند که به خاطر تنگنای معیشتی خودشان دیگر دین و وابستگی دینی را فراموش کنند؛ این در شکل‌های مختلف و طرح‌های گوناگون در کشور در حال اجراست و مهم، بصیرت مردم ما در برابر این فتنه‌ها، شناخت موارد فتنه در خط اجرای این هدف و ایستادگی مقابل دشمن در ابطال فتنه دشمن است.

> **دشمن دید علت اینکه ۴۰ سال با نظام جنگیده و نظام امروز مقتدرتر از روز اول است، این است که پشتیبان این نظام، مردم هستند، هیچ نظامی روی کره زمین مثل نظام حکومتی ما وجود ندارد که مردم پشتیبانش باشند و به این نظام وابستگی داشته باشند، علت وابستگی مردم به نظام نیز وابستگی مردم به دین‌شان است، مردم دین‌شان را دوست دارند و این دین را وابسته به این نظام و نظام را وابسته به دین می‌دانند؛ بر حسب آن اعتقاد و وابستگی دینی، وابسته به نظام شدند**

■ **راه واکسینه کردن جامعه را بصیرت‌افزایی می‌دانید؛ در جامعه با اشکال مختلف فرهنگ، تفکر و بینش مواجه هستیم، این بصیرت را چطور در مردم افزایش دهیم؟**

ببینید! اگر بنا شد شما شخصیت‌های دینی، اندیشه و گرایش‌های دینی را در مردم تقویت کنید، مثل همین مسائل که خطر را چه زمانی متوجه جان خودمان می‌بینیم و احساس خطر می‌کنیم؟ وقتی مراقبت ما نسبت به جان‌مان انجام می‌شود. یا یک پدر و مادر کی خطر را متوجه فرزند خودشان می‌دانند؟ وقتی کاملاً مراقب فرزندشان باشند؛ دقیقاً دین نیز همین‌طور است، اگر مردم ما نسبت به تقیدات دینی‌شان مراقب بودند، به خودی خود هر خطری متوجه دین‌شان بشود، بصیرت شناخت این خطر را پیدا می‌کنند؛ آنانی که بصیرت شناختی خطر را ندارند، تقیدات دینی‌شان کم است، وابستگی دینی و مراقبت از دین‌شان خیلی ضعیف است، چون مراقبت‌ها و تقیدات دینی‌شان ضعیف است، خطر را تشخیص نمی‌دهند.

■ **فتنه‌گران و لزوم برخورد با آنان که مشخص است اما نگاهی هم به جبهه خودمان بیندازیم؛ جبهه‌ای که مملو از اکثریت مردم عاشق ولایت و دلداده اهل‌بیت است. چه چیزی باعث می‌شود در این جبهه یک عده پیشرو باشند و یک عده دیرتر تشخیص بدهند و حرکت کنند؟**

کسانی که بخواهند تندتر از مقام ولایت راه بروند، ۲ دسته هستند؛ یک دسته عوامل نفوذی‌اند که آمده‌اند خودشان را چهره انقلابی قوی نشان بدهند، جلوی صف بروند و صف را به طرف امیال و اهداف دشمن ببرند. خدا رحمت کند امام رضوان‌الله تعالی‌علیه را که در دوران مبارزه، در مجلس شورای ملی شاه ۲ نفر پیدا شدند که اول ژست و موضع مقابله و مبارزه با نظام ستم‌شاهی را به خودشان گرفتند، یکی «احمد بنی‌احمد» نماینده تبریز بود و یکی هم «محسن پزشک‌پور»، ما همان وقت مشرف شدیم نجف خدمت امام، ایشان فرمودند حواس‌تان جمع باشد، اینها آمده‌اند جلوی صف مردم قرار بگیرند، عامل نفوذی هستند، جلو افتاده‌اند و با احساساتی که نشان می‌دهند، می‌خواهند صف مقابله و مبارزه را به سمتی که خواسته آمریکا و نظام ستم‌شاهی است، پیش ببرند، شما حواس‌تان جمع باشد اینها را از صف کنار بزنید؛ بصیرتی که امام به نیروهای مبارز دادند، باعث شد آن روز مردم اینها را از صف کنار بزنند و نگذاشتند وارد صف مبارزه شوند. همان‌طوری که ما درباره ائمه (علیهم‌السلام) می‌گوییم «اَلْمُتَقَدِّمُ لَهُمْ مارِقٌ وَالْمُتَأَخِّرُ عَنْهُمْ زاهِقٌ»، کسانی که مقدم می‌شوند عامل نفوذی هستند یا عامل احساسی تندی که وابسته به جریان‌های احساسی تندی هستند که احساسات توخالی و بدون اندیشه و فکر دارند؛ کسانی هم که به رهبر نمی‌رسند و عقب می‌افتند، یک انگیزه و عامل اصلی عقب‌افتادگی آنان، عملیات روانی دشمن است یعنی دشمن اول می‌آید روی نیروهای خودی عملیات روانی انجام می‌دهد که نیروهای خودی را در حرکت‌های انقلابی به‌عنوان تندرو، احساساتی، جریان زورگو، چماق‌دار و خشن معرفی کند، متأسفانه بعضی نیروهای ما حتی نخبگان سیاسی ما سوژه عملیات روانی دشمن می‌شوند، می‌گویند ما این کار را نکنیم که به ما تندرو و خشن نگویند، به ما احساساتی نگویند. دشمن اول آمده به هرکسی این کارها را بکند می‌گوید احساساتی، تندرو و خشن. این را حتی برای خودمان جا می‌اندازد، افراد خودی، جبهه را در خط مقابله با دشمن و فتنه دشمن خالی می‌کنند، به اعتبار اینکه به ما تندرو و خشن نگویند در مقابل دشمن نمی‌ایستند در حالی که خود آنان سوژه عملیات روانی دشمن قرار گرفته‌اند. «زاهق» یعنی ساقط شده، سقوط کرده و از بین رفته، این فرد دیگر عقب می‌ماند، گاهی طوری عقب می‌ماند که می‌رود آن طرف میز و در جناح دشمن واقع می‌شود؛ برای اینکه مردم به آنان تند، خشن و چماق‌دار نگویند تا آنجا عقب می‌نشینند، آن‌طرف می‌روند تا مردم به آنان بگویند نخبه، خبره سیاسی، آدم‌های آکادمیک و دموکرات، برای این اصطلاحات می‌روند آن‌طرف می‌ایستند و از حرکت پشت سر رهبری عقب می‌افتند.

■ **در مقابل بعضی موضع‌گیری‌های شخصیت‌ها در بیان مطالب و اقدامات عملی، مصلحت‌اندیشی‌هایی به اسم انقلابی‌گری انجام می‌شود، این مصلحت‌اندیشی‌ها چه تأثیری بر بصیرت مردم می‌گذارد؟**

رسالت ما این است که به مردم بصیرت بدهیم، خطر را به مردم اعلام کنیم و در برابر خطرها به مردم هشدار بدهیم، این رسالت اصلی ما هست، البته حرکت ما باید مدبرانه و موضع‌گیری ما نیز باید موضع‌گیری کاملاً حساب شده باشد؛ زمانی واقعاً مصلحت‌اندیشی درست و لازم است اما زمانی مصلحت‌اندیشی‌ها به‌نوعی سوژه عملیات روانی دشمن است، دشمن روی آنها عملیات روانی انجام داده که مصلحت‌اندیشی کنند؛ اگر واقعاً در خط دفاع از رهبر و پیروی از منویات رهبری هستیم، باید حساب کنیم اگر یکی از ما نیز حرکت غیرمتعادلی انجام داد، اینطور نباشد به او کمک نکرده و فقط او را نصیحت کنیم. مصیبت ما در مصلحت‌اندیشی‌های خودی این است که افراد اینچنینی از کمک و یاری فردی که در موضع قوی دارد جلو می‌رود، دست برمی‌دارند و فقط می‌خواهند او را نصیحت کنند، این یک نوع غرور و فریب شیطانی است که شیطان آنان را فریب می‌دهد و خودشان نمی‌فهمند؛ تو اگر نیروی ولایی هستی و واقعاً پای ولایت ایستاده‌ای، به آقایی که دارد پای ولایت فداکاری می‌کند کمک کن ضمن اینکه اگر حرکت غیرمتعادلی هم دارد، در ضمن کمک برایش مصلحت‌اندیشی کن، نه اینکه هیچ کمک و دفاعی نکنی، دشمن او را سرکوب کند و بعد فقط او را نصیحت کنی که اینطور موضع‌گیری نکن؛ این غلط است دیگر.

■ **امروز شرایط اقتصادی و معیشتی مردم را تحت فشار گذاشته است. برخی گمان می‌کنند اگر فتنه‌ای همتراز یا پیچیده‌تر از فتنه ۸۸ امروز در کشور رخ دهد احتمال حضور مردم و دفاع از کیان ولایت در این بحبوحه کم است؛ نظر شما چیست؟**

صددرصد مردم به صحنه می‌آیند؛ مردم انقلاب را عامل اجرایی دین‌شان می‌دانند، از بعثت پیغمبر تا امروز، روزی نبوده که همه دنیا بر سر اسلام و پیغمبر بریزند، همیشه مخالفت‌هایی با پیغمبر و مبارزه با اسلام در یک حد و اندازه مشخصی بوده اما اینطور که همه دنیا و همه قدرت‌های کفر و الحاد به سر پیغمبر و اسلام بریزند، مثل امروز به وجود نیامده، در جبهه دفاع از پیغمبر و اسلام، امروز یک صف وجود دارد و آن صف انقلاب است؛ مردم متدین بر حسب عشقی که به پیغمبر دارند و در مقام عشق به پیغمبر و اهل‌بیت پیغمبر، اولویت‌های مهم‌تری نسبت به معیشت‌شان دارند. از آنجا که مردم امروز در جبهه دفاع از پیغمبر و دین روی کره زمین یک صف می‌بینند و آن هم صف انقلاب است، طبیعی است که از این انقلاب دفاع می‌کنند ولو اینکه از نظر معیشتی در مضیقه هم باشند. اگر امروز توسط توطئه دشمن جنگی هم صورت بگیرد، مدافعان جنگ را قوی‌تر و کاربردی‌تر از روزهای ۸ سال دفاع‌مقدس خواهیم داشت، دلیلش مدافعان حرم است؛ ایثارگری‌ها و فداکاری‌هایی که در این جریان انجام می‌گیرد، عین همان ایثارگری‌های ۸ سال دفاع‌مقدس است، آن هم در سرزمینی که سرزمین ما نیست، می‌روند و در دفاع از دین می‌ایستند، مردم تشخیص‌شان این است که انقلاب، جریان اجرایی دین هست و انقلاب اسلامی منحصراً جریان دفاعی دین روی کره زمین به شمار می‌رود، از این رو بحث گرایش دینی مردم به انقلاب، مخصوص داخل کشور نیست، امروز بسیاری از مسلمانان و شیعیان جهان نیز به انقلاب ما گرایش دارند، حاضرند پای انقلاب ما بایستند، فداکاری کنند به خاطر اینکه آن صف اول و مقدم جبهه دفاعی از دین و پیغمبر را در این انقلاب می‌بینند.

> **در جریان عاشورای سال ۸۸ و تهاجمی که به مقدسات مردم و عشق آنها به سیدالشهدا (ع) شد و هتک حرمتی که نسبت به سیدالشهدا اتفاق افتاد، مردم دیدند فتنه متوجه موقعیتی شده بالاتر از مال و جان‌شان و آن، مقام عشق نسبت به اهل‌بیت پیغمبر(ص) است، آن عشقی که مردم به اهل‌بیت پیغمبر داشتند و انگیزه آنان در دفاع تا مرز جان دادن در راه پیغمبر و اهل‌بیت پیغمبر بود، این انگیزه به جوش و خروش درآمد و آن دفاع جانانه را در ۹ دی هم نسبت به مقدسات خود و هم نسبت به مقام ولایت انجام دادند**

■ **دی‌ماه سال قبل و در آستانه ۹ دی اعتراضات اجتماعی به مسائل معیشتی و مؤسسات مالی در چند شهر کشور آغاز شد که یکی از این شهرها مشهد بود. بارها بعضی مقامات مسؤول ریشه مشکلات اجتماعی و حتی اقتصادی را همان اعتراضات در مشهد بیان کرده‌اند و شما را مشوق و مسؤول آن می‌دانند. آیا شما جریان سیاسی- اجتماعی‌ای را رهبری می‌کنید که کانون آن مشهد است و در حال رقابت با جریان سیاسی حاکم بر دولت، مجلس و شورای شهر است؟**

اولاً من این را قبول ندارم که اعتراضات دی‌ماه پارسال از مشهد شروع شد، قبل از مشهد در اصفهان و تهران این اعتراضات وجود داشت و از مشهد شروع نشده، این در درجه اول که اصل شروع از مشهد را من قبول ندارم، اینکه این قصه را به مشهد نسبت می‌دهند، نسبت دروغی است. در مرحله دوم، دخالت بنده در این مساله، دروغ مشخصی است؛ هفتم دی‌ماه، روز پنجشنبه بوده، جمعه قبل آن بنده در خطبه‌های نمازجمعه مردم را به صبر و بردباری دعوت کردم و جمعه بعد از آن نیز که روز هشتم دی‌ماه بود، به مردم رسماً اعلام کردم دنبال هر صدا و فراخوانی راه نیفتید، اول تشخیص دهید که این فراخوان از طرف چه موقعیتی انجام می‌گیرد، آن وقت راه بیفتید. در ارتباط با فرافکنی‌های سیاسی جریان اجرایی کشور و جریان‌های سیاسی هستند، اینها نمی‌خواهند بگویند نارسایی‌های مدیریت کشور و نارسایی‌های تدبیر در اداره کشور باعث حرکت مردمی شده، دنبال یک علت غیر از این می‌گردند آن هم به علت اینکه بنده آدمی هستم که در بعضی نقدهای خودم صراحت دارم، اینها آمدند گریبان مرا گرفتند و این کار را به بنده نسبت می‌دهند، این در واقع یک نوع فرافکنی بی‌رحمانه و صددرصد غلط هست که برای مردم روشن می‌شود با این فرافکنی، می‌خواهند سوءمدیریت و سوءتدبیری که در اجرائیات نظام دارند را مخفی نگه دارند،پس پای فرد دیگری را وسط می‌آورند و همان روز هم دروغ‌هایی بر این مساله افزودند، حتی به شورای عالی امنیت ملی تهمت زدند که آنان آمدند قصه را از طریق بنده تعقیب کردند و شورای عالی امنیت ملی بیانیه داد و ماجرا را برملا کرد. مقداری از این دروغ‌ها به وسیله عوامل اجرایی دولت گفته شد و بخشی هم جریان‌های سیاسی که خودشان را مدافع دولت می‌دانستند و در رقابت بودند، این حرف‌ها را زدند، در حالی که این یک تهمت ناحق و یک فرافکنی بسیار مفتضح و رسوایی است که از نظر سیاسی انجام دادند.

■ **در موضع‌گیری‌های شما انتقادات جدی وجود دارد که برخلاف برخی اظهارات‌تان، موضع جدی در مقابل دولت ندارید و اتفاقاً در مسائل معیشتی و اقتصادی مردم کمتر طرح موضوع می‌کنید.**

بخشی از اعتراضات، اعتراضات نادرستی است؛ شما در تمام تریبون‌داران کشور ببینید به اندازه‌ای که بنده به دنبال اقتصاد و معیشت مردم بودم، چه کسی بوده؟ به اندازه‌ای که من دم از مردم و اقتصاد مردم و معیشت مردم زده‌ام، کدام تریبون‌داری اینقدر حرف زده؟ این درست نیست دیگر، اصل این حرف‌ها ناحق است. نمی‌گویم همه روش‌های ما روش‌های درستی است، ۳ مساله مطرح است؛ موضع سیاسی، ادبیات سیاسی و انگیزه سیاسی. انگیزه که مربوط به درون هر انسانی است که خودش و خدا می‌داند با چه نیتی قدم برداشته، موضع‌گیری، مقابله کلی هست با یک موضوع که آدم در برابر جریانات سیاسی باید موضع بگیرد، ادبیات هم این است که این موضع را با چه روشی اجرا کند. ممکن است بنده در روش و ادبیات اشکالاتی داشته باشم؛ بشر غیر معصوم که بود، ممکن است صدها اشکال هم در کارش داشته باشد، مهم اصل موضع است که انقلابی است یا غیرانقلابی، بحث در روش و ادبیات نیست. هر کسی ادبیات خودش را دارد، حالا این ادبیات هم مقداری مفید است و مقداری غیر مفید، در بعضی جاها ادبیات خیلی مؤثر است، در بعضی جاها ممکن است مؤثر نباشد و در بعضی جاها ممکن است مضر باشد، نمی‌گویم در روش‌های موضع‌گیری، روش من صددرصد درست بوده، کسی این ادعا را بکند، ادعای عصمت است و بنده هم ادعای اینچنینی ندارم اما نفس موضع‌گیری، موضع انقلابی گرفتن و در خط رهبری قدم برداشتن، مواضعی است که بنده تاکنون مواضع غیر از این نداشته‌ام، یعنی یک جا مواضع و منافع شخصی برای من مطرح نبوده، مواضع من مواضع انقلابی بوده، هر جا موضع من غیرانقلابی بود، بگویند موضعت انقلابی نبود و ضد رهبری بود. ممکن است ادبیاتی داشته‌ام که شما اعتراض داشته باشید و حق هم با شما باشد یا در روش من اشکالی وارد باشد اما موضع، غیر روش و ادبیات است، ما که امروز سیاسی نشدیم، دوران سیاسی بودن من چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب، غیر از خط انقلاب، رهبری و امام بوده؟ هر جا غیر از این بوده بگویند خلاف بوده، موضع را بگویند خلاف بوده نه ادبیات و روش را، زیرا ممکن است در این روش اشکالی وجود داشته باشد.